



نام درس: دنا و دانش زبانی

نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: قید (۱)

پایه: هفتم-هشتم

مقطع: متوسطه ۱



معنا و مفهوم قید

قید، کلمه یا گروهی از کلمات است که توضیحی اضافه درباره ی برخی نقش های دستوری در جمله می دهد و حذف آن آسیبی به ساختار جمله وارد نمی کند. به عنوان مثال قید می تواند صفت، فعل، مسند، مصدر و یا قید دیگر را توضیح دهد. قیدها مفاهیم مختلفی از قبیل حالت و چگونگی، زمان، مکان، تکرار، مقدار و ... را بیان می کنند.

به مثال های زیر توجه کنید:

او با سرعت به خیابان دوید.

مینا دوباره به آشپزخانه رفت.

سارا همه جا به دنبال خواهرش گشت.

مادر آهسته سخن گفت.

مرد، شبانه حرکت خود را آغاز کرد.

من قطعاً امسال موفق خواهم شد.

سبزه زاران رفته رفته زرد گشت.

دیروز، سه کیلومتر راه رفتم.





انواع قید از جهت دستور زبانی

قیدها از جهت دستور زبانی به دو دسته ی مختص و مشترک تقسیم می شوند.

۱- **قید مختص:** قیدهای مختص معمولاً به جز نقش قیدی هیچ نقش دیگری در جمله قبول نمی کنند و در زبان برای قید بودن ساخته شده اند.

هرگز، همواره، همیشه، هنوز، البته، مثلاً (و سایر قیدهای تنوین دار) بدبختانه، متأسفانه، لنگ لنگان

نکته: به طور کلی تنوین نشانه ی زبان عربی است و نباید واژگان فارسی را با تنوین به حالت قیدی درآورد

در نتیجه کاربرد جاناً، گاهاً، زباناً و ... در زبان فارسی جایز نیست.

نکته: بسیاری از قیدهای تنوین دار عربی را می توان با کمک حرف اضافه، فارسی کرد: ظاهراً=به ظاهر

عملاً=در عمل تدریجاً: به تدریج





برخی از فعل ها و عبارت ها و ترکیب های عربی نیز وجود دارند که در زبان فارسی به صورت قید مختص به کار

می روند:

الآن، حتی المقدور، بالعکس، علی ای حال، بلاشک، بالاخص، مادام، بالأخره، یحتمل، فی الواقع، لابد، بالتبع و...

در زبان فارسی بسیاری از قیدها با حروف اضافه ساخته می شوند که این ها نیز، قید مشترک به شمار می آیند:

به سرعت، به زودی، با کندی، به آسانی، با کنجکاوی، درجا و ...





۲- قید مشترک: بعضی از صفت ها، اسم ها، ضمیرها، فعل ها، شبه جمله ها و حرف ها در جمله نقش قیدی پیدا

می کنند. پس قید مشترک در اصل قید نیست بلکه صفت، اسم، ضمیر، فعل، شبه جمله و یا حرفی است که کاربرد

قیدی پیدا کرده است. اکنون برای هر یک از موارد بالا مثال هایی ذکر می شود:

اسم: شب، روز، عصر، ظهر، سال، ماه، هفته، زمان، وقت، جا، کجا

هر سال به مسافرت می رفتم اما امسال نرفتم.

مینا صبح به خانه برگشت.

هر گاه بیاید خوشحال می شوم.

هر کجا نگاه کنید، نشانه های خدا را می یابید.

این ماه به خانه ی ما نیامدی.

هر وقت شد به ما سری بزن.

نکته: برخی اسم های مخصوص زمان و مکان با هر (صفت مبهم) و این (صفت اشاره) به صورت قید درمی آیند.

هر + شب = هر شب

این + سال = امسال





صفت: آهسته، تند، خوب، بد، زیبا، بیشتر، کمتر و ...

من آهسته صحبت می کنم.

لاکپشت کند راه می رود.

علی خوب درس می خواند.

مریم خوانا می نویسد.

مادرم بیشتر کار می کند.

چادر خود را محکتر دور کمرش پیچید.

من بیشتر از سارا تلاش کردم اما کمتر از او نتیجه گرفتم. (در این جمله گروه قیدی قابل مشاهده است.)





فعل: گویی، گفתי (مثل اینکه، انگار) - گیرم (به فرض، فرضاً) - شاید (شایسته است، ممکن است)

طوری حرف می زند گویی دانشمند بزرگی است. گیرم که پولدار شدی بعدش چه؟

شاید دوباره به دیدنم بیاید.

ضمیر: کی، کجا (ضمیرهای پرسشی) - چه (ضمیر تعجبی)

او می خواهد مرا کجا ببرد؟ کی به خانه ی ما می آیی؟

چه هوای خوبی! گفت: به به چقدر زیبایی!





حرف: مگر، چون، نه (حروف ربط هستند در اصل)

مگر دیوانه شدی که می خواهی از اینجا بروی؟

مگر بارها به تو نگفتم که این کار را نکن؟

امروز مدرسه می آیی؟ نه، نمی آیم

یادآوری: چون در معنای مانند، حرف اضافه است. در معنای وقتی که، حرف ربط است و در معنای چگونه

می تواند قید باشد که بیشتر به زبان شعر اختصاص دارد.

چون آمدی ای نگار سرمست؟ (سعدی)

چون آمدی؟ = چگونه آمدی؟

شبه جمله: دریغ، هیهات، آوخ، هان، هین، افسوس، زینهار و ...

آوخ که شدم هیزم و آتشگر گیتی ...

آب زیند راه را هین که نگار می رسد.

پدر خنده بر گریه ام زد که هان!

دریغ (افسوس) که شما را ندیدم.





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>



نام درس: دنا و دانش زبانی

نام دبیر: غزاله صادق زاده

مبحث: قید (۲)

پایه: هفتم-هشتم

مقطع: متوسطه ۱



انواع قید از جهت ساختار



۱- قید ساده: این قیدها از نظر ساختاری ساده هستند و چیزی به آن ها اضافه نشده است.

مثل: شب، روز، هنوز، هرگز، فردا و ...

۲- قید مرکب: از دو یا چند جزء تشکیل شده است.

مثل: امشب (این+شب) هرروز(هر+روز) با ملایمت (با+ملایمت)

۳- گروه یا عبارت قیدی: اغلب گروه متممی است که در جمله به عنوان قید به کار می رود.

مثل: در اواخر دوره ی هخامنشی، پادشاهان ضعیف شدند. (حرف اضافه+متمم+م الیه+صفت)

او به چه حقی این رفتار زشت را با من کرد؟ (حرف اضافه+ صفت پرسشی+متمم+ی)

نکته: گاهی حرف اضافه حذف می شود: شد هیمه در آن باغ **سحر** هیمه ی بسیار (در سحر)





انواع قید از جهت مفهوم

بررسی قید از این جهت بیشتر معنایی است و به دستور زبان ارتباطی ندارد.

۱- قید زمان: شامل کلمه ها و ترکیب هایی است که زمان را نشان می دهند.

مثل: شب، روز، عصر، ظهر، امروز، دیروز، به ندرت، ناگهان، سال آینده، عصر یک روز بارانی، سال کرونا

دائم، همیشه، و...

مادربزرگ در قید حیات هستند؟ **سال کرونا**، از پیش ما رفتند.

فردا شب به سمت آبادان حرکت می کنیم. (در این جمله فردا قید است و شب قیدی برای فردا است.)

امسال مهرماه، مدارس حضوری شدند. (در این جمله امسال قید است و مهرماه قیدی برای آن.)





۲- قید مکان: شامل کلمه ها و ترکیب هایی است که به جا و مکانی اشاره دارد.

مثل: اینجا، آنجا، هرجا، همه جا، جلو، عقب، پایین، بالا، زیر، روی، پشت در، لب دیوار، زیر میز، کوچه پشتی،

دم در خانه، رو به روی مسجد و ...

خواهرم برای مدتی طبقه ی بالای خانه ی ما اقامت گزید.

دیشب، کوچه پشتی، عروسی بود.

بچه گربه، زیر شیروانی، قایم شده بود.

کتابم را روی میز تحریر گذاشتم.





۳- قید مقدار (کمیت): شامل کلمه ها و ترکیب هایی است که به مقدار و اندازه ی چیزی اشاره دارد.

مثل: کم، بیش، بسیار، خیلی، کم و بیش، بس، بسی، کمی، بیشتر، کمتر، این قدر، آن قدر، قدری، تا حدودی،

تا اندازه ای، نسبتاً، کاملاً، زیاد،

چرا برای یک بچه این قدر غصه بخورم؟

کمتر حرف بزن. بیشتر گوش کن.

من کم و بیش درباره ی شما چیزهایی شنیده بودم.

استاد، بسیار در این باره سخن گفت.





۴- قید چگونگی (کیفیت): شامل کلمه ها و ترکیب هایی است که به چگونگی و حالت انجام گرفتن فعل اشاره دارد.

مثل: خوب، بد، زشت، زیبا، درست، کج، راست، چگونه، آهسته، یواش یواش، لنگ لنگان، شتابان،

سارا چگونه رانندگی می کند؟ او با احتیاط رانندگی می کند.

کم کم باید جمع کنیم و از این شهر برویم.

او بسیار کودکانه سخن می گوید.

مادر با آب و تاب شروع به تعریف کرد.

بچه پاورچین، پاورچین از پله های دالان بالا رفت.





۵- قید حالت: این قید حالت و چگونگی فاعل یا مفعول را در زمان انجام کاری نشان می دهد. بسیاری از صفت ها به

صورت قید حالت در جمله به کار می روند.

مثل: خوشحال، شاد، غمگین، ملول، اندوهگین، متأسف، گریان، لرزان، رنگ پریده، دست به سینه، خوابیده و...

حسین سواره آمد و پیاده رفت.

شاگردان، کیف به دست، سوت زنان و شادی کنان از مدرسه خارج می شوند.

سربازان دلیرانه در برابر دشمن ایستادگی کردند.

به طور کلی این قید شباهت زیادی به قید کیفیت دارد و بیشتر مواقع نام هر دو را می توان بر آن نهاد.





۶- قید تمنا: این قید برای بیان آرزو به کار می رود.

مثل: کاش، کاشکی، ای کاش، ان شاءالله، لطفاً و ...

لطفاً جلوی پل توقف نفرماید.

بچه ها آرزوی من این است

کاش روزی به کام خود برسید

۷- قید تأسف: این قید برای بیان دریغ و حسرت به کار می رود.

مثل: افسوس، متأسفانه، آه، وای، دریغ و درد، واویلا، آوخ و ...

دریغا که سیاستمداران ما دست از لجاجت بر نمی دارند.

ما دیر رسیدیم. متأسفانه آن ها رفته بودند.





۸- قید تدریج:

مثل: دقیقه به دقیقه، روز به روز، سال به سال، اندک اندک، کم کم، ...

باران کم کم، شروع به باریدن کرد.

اندک اندک جمع گردد وانگهی دریا شود.

۹- قید تکرار: این قید تکرار وقوع فعل را نشان می دهد.

مثل: بار، دیگر بار، دوباره، دو مرتبه، باز هم، مجدداً، هی

او بار دیگر درخواستش را بیان کرد.

هی پشت سر هم حرف می زد.

او باز هم اشتباهات گذشته را تکرار کرد.





۱۰- قید تفسیر: جمله ی پس از این قید توضیح و تفسیری درباره جمله ی پیشین است.

مثل: یعنی، به این معنی که، به عبارت دیگر، ...

وقتی می گویم تو را دوست دارم یعنی برایم مهم هستی.

سعدی غزل را به اوج رسانده است به عبارت دیگر می توان او را نمونه ی اعلاى غزلسرایى در ایران دانست.

۱۱- قید ترتیب:

مثل: یک به یک، دو به دو، پی در پی، پیاپی و...

سربازان ده تا ده تا وارد گردان شدند.

معلم پیاپی سؤال می کرد و بچه ها جواب می دادند.

مهمانان یکی یکی از در وارد شدند.





۱۲- قید پرسش:

مثل: آیا، چرا، مگر، کی، چه، کجا، هیچ، چگونه

چطور من می توانستم روی پاهایم بایستم؟

چگونه این همه خون ریخته شد؟

مگر می شود مادر را دوست نداشت؟

هیچ از حال من خبر داری؟

۱۳- قید استثنا:

مثل: مگر، استثنائاً

من نمی روم مگر شما هم بیایید.

امروز استثنائاً با مترو به مدرسه آمدم.





۱۲- قید نفی:

مثل: هرگز، به هیچ وجه، خیر، اصلاً، ابداً، هیچ

امروز به هیچ وجه از خانه بیرون نمی روم.

وضعش هیچ (اصلاً) روشن نیست.

۱۳- قید تصدیق و تأکید:

مثل: بلی، البته، حتماً، به راستی، الحق، یقیناً، چرا و ...

امروز به کلاس نمی آیی؟ چرا، می آیم

راستی اگر آن جمعیت مرا می دید چه می کرد؟





۱۴- قید تردید:

مثل: شاید، احتمالاً، به گمانم، گویا و...

احتمالاً با خواهرم به مراسم بیایم. به گمانم آن ها از ماجرا خبر داشته باشند.

۱۵- قید انحصار:

مثل: فقط، بس، تنها، منحصرأ

فقط، تو را می پرستیم و از تو یاری می جوییم. بین همه تنها به تو اعتماد دارم.

۱۶- قید علت:

مثل: از این رو، به این جهت، زیراکه، به این دلیل، چه (چراکه) و...

به این دلیل که با هم اختلاف نظر داشتیم، راهمان از هم جدا شد.





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>